



## بررسی کتاب تحفه حکیم مؤمن، از دیدگاه ادبی و طبی

نصرالله امامی<sup>الف</sup>، داود سلیمانی<sup>ب</sup> مقدم

الف) دکترای ادبیات فارسی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید چمران، اهواز

ب) کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، زرین آباد، ایلام

### چکیده

سابقه و هدف: تاکنون تحقیقات زیادی در موضوعات مرتبط با طب سنتی انجام شده است؛ اما اغلب به صورت کلی بوده و کمتر به جزئیات توجه شده است و به نحوه بیان، زبان گفتار، چگونگی توصیف جزئیات و دیدگاه‌های متفاوت پدیدآورندگان آثار توجه نشده است. این مقاله با هدف کمک به افزایش اطلاعات و دانسته‌های دارویی کهن و معزوفی هرچه بهتر آثار طبی به جامعه علمی کشور به منظور به کارگیری آن در میان محققان و داروسازان گیاهی ارائه شده و در آن سعی شده است تا حد زیادی ضمن بیان دیدگاه حکیم مؤمن، نحوه بیان و استفاده او از ابزار زبان برای بیان و توصیف جزئیات گل‌ها و گیاهان طبی و خاصیت درمانی هر جزء، نشان داده شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی و مطالعه موردنی به بررسی ویژگی‌های ادبی و علمی کتاب تحفه حکیم مؤمن، از کتاب‌های طبی و دارویی عصر صفویه، تألیف محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان حسینی تنکابنی دیلمی پرداخته و امتیازها و ایرادهای کتاب مذکور را بررسی کرده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه تحفه حکیم مؤمن از نظر ویژگی‌های زبانی و نثر ادبی حائز اهمیت نیست، اما توانسته است دیدگاه طبیان قبلی را به چالش کشیده و مورد پذیرش عموم قرار گیرد، او علاوه بر کار طبابت در کار داروسازی، به خصوص ساختن ادویه مرکبه نیز توانا بوده است، و قبل از کتاب او به ادویه مرکبه، چندان توجه نمی‌شده و می‌توان گفت که یکی از امتیازهای کتاب، پرداختن به ادویه مرکبه است.

بحث و نتیجه‌گیری: این کتاب از جنبه طبی و گیاهان داروئی، به خصوص توصیف ادویه‌های مرکبه بسیار با ارزش است و مطالعه آن برای انجام تحقیقات تجربی توصیه می‌شود.

کلید واژه‌ها: طب سنتی، داروشناسی سنتی، صفویه، امتیازها، ایرادها، تحفه حکیم مؤمن.

سلیمان صفوی است که آن را در سال‌های ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۵

قمری نوشته است.

او سیّدی عالی‌قدر و از اطبای شیعه‌مذهب بوده است و علم طب را نزد پدر و سایر خاندانش که گویا همه پزشک بوده‌اند تحصیل کرده و به عنوان پزشک مخصوص، به دربار شاه سلیمان صفوی راه یافته است.

بیشتر آثاری که در زمینه‌های مختلف علمی، از جمله پزشکی در دوره صفویه نگاشته شده، در واقع تکرار سخنان گذشتگان یا شرح و حاشیه و تلخیص آنها بوده است. یکی از این کتب تحفه حکیم مؤمن، تألیف محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان حسینی تنکابنی دیلمی، طبیب مخصوص شاه

### مقدمه:

است که در کتاب خود به نام تحفه المؤمنین، مواد پزشکی را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ کرده و بر آن مواد هندی را افزوده و همه آنها را با تجربیات و کشفیات خود، تلفیق کرد و بر آنها شرح نوشت؛ این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آنها اختصاص دارد.

از ویژگی‌های دیگر کتاب وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گویش‌های مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی، گیلکی، ترکی و هندی است (۲).

#### تاریخچه مختصر دانش پزشکی

تاریخ دانش پزشکی در ایران به دوران باستان بر می‌گردد، به طوری که پیش از تأسیس دانشگاه جندی شاپور و حضور دانشمندان نسطوری و آشنا به دانش پزشکی و زبان یونانی، در دوره خمامنشی نیز تشکیلات پزشکی منظمی وجود داشت، به طوری که در این دوران، ارتباط فرهنگی بین ایران و یونان و همچنین با اقوام و ملل مجاور شروع شده بود و عده‌ای از پزشکان یونانی در دربار پادشاهان خمامنشی به طبابت مشغول بودند (۳).

در دوره اشکانیان هم طب ایرانی یک طب غیر دینی و آمیخته‌ای از طب یونانی و زرده‌شی و متاثر از طب رایج در سایر ملل از جمله مصریان، آشوریان و کلدانیان و بابلی‌ها بوده است. وجود ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی که در کتاب‌های طب سنتی به کار رفته، تا حدودی ناشی از جنگ‌های بین تمدن‌های گذشته بوده است. مثل ایران و روم، ایران و یونان، ایران و مصر و هندوستان و چین، موجب تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی شده است. هرچند که بر اثر همین جنگ‌ها از جمله لشکرکشی اسکندر به ایران، بسیاری از کتابخانه‌ها آتش گرفت و بسیاری از سوابق گیاه‌شناسی شرق از بین رفت (۲)، اما بنا به نوشته دکتر محمود نجم‌آبادی: «پس از حمله اسکندر به ایران نفوذ تمدن یونانی در

كتاب تحفه حکیم مؤمن بیشتر در بردارنده مباحث طبی و دارویی کتاب‌های داروشناسی گذشته است. در این مقاله به بررسی کتاب مذکور پرداخته می‌شود.

در دوره صفویه داروشناسی بسیار مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر تحفه حکیم مؤمن چندین کتاب در این زمینه نوشته شد، از جمله: بحر الوار، تأليف محمد بن یوسف هروی، اسرارالاطبا، تأليف نظام الدین احمد گیلانی، جامع الجامع در داروهای مفرد و مرکب از کمال الدین افضل بن یحیی گیلانی، مفرح یاقوتی، المرکبات الشاهیه، رساله افیونیه و بنوی از عماد طبیب، قرابادین شفایی از حکیم شفایی، معجون مسیحی و مفرح مسیحی از محمد مسیح بن محمد صادق، از پزشکان عهد شاه سلیمان، مصباح الخزانی و مفتح الدفائن به نام شاه سلیمان، تأليف محمد هاشم بن محمد طاهر تهرانی، رساله چوب چینی از مسیح الملک محمد یوسف، تأليف شریف و علاج الامراض از محمد شریف خان دهلوی. علاقه برخی از شاهان صفوی به امور طبابت و پزشکی و عیش و عشرت و آمیزش با زنان حرم‌سرا و خوردن معاجین و ترکیبات دارویی، آنان را وامی داشت تا طبیبان حاذقی را به دربار خود راه دهنده؛ حکیم مؤمن نیز یکی از این طبیبان مجبوب بود که به دربار شاه سلیمان آمد و امور طبابت این پادشاه را بر عهده گرفت. به عنوان مثال از مشروب‌ها یا مخدراهایی که در دوران شاهان صفوی رواج داشت، می‌توان شربت کوکنار، مفرح افیونی، بنگ و حشیش را نام برد. حکیم مؤمن در تهییه ترکیبات دارویی تجربه‌ای کافی داشته است و در کتابش خواص و طرز ساختن و مقدار شربت آنها را به طور مفصل توضیح داده است.

طریقه ساخت انواع مفرحات، از جمله مفرح افیونی، معاجین و شربتها و حبوبات از جمله: حب فلونیا در کتب تحفه، مؤید این اوضاع است. به نوشته توomas هربرت در سفر نامه‌اش: «بهترین تحف حکام بزرگ به درگاه شاهان صفوی از جمله شاه عباس، شراب‌های ناب بوده است» (۱) و این است که حکیم مؤمن هم، برای خوشایند کردن نام خود در نظر شاه سلیمان، نام کتابش را تحفه نهاده است.

محمد مؤمن تنکابنی، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی، یکی از دانشمندان بر جسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران

شاردن، جهانگرد غربی در سیاحت‌نامه‌اش در خصوص صنف اطبای این دوره، آنان را گروهی مردمی، ثروتمند و با شخصیت ممتاز معرفی کرده است. پزشکان ایران، عطار و دارو فروش نیز بودند و هریک دکه‌ای داشتند که سراسر روز یا تنها برخی از ساعات را به نسبت کمی یا زیادی خریدار آنجا می‌ماندند و شاگرد یا شریک دارو فروش نیز در جوارشان بود.

(۶)

#### سابقه و هدف پژوهش

تاکنون تحقیقات زیادی در موضوعات مرتبط با طب سنتی انجام شده است. در این قبیل پژوهش‌ها که بیشتر پیرامون کتب معتبر طب سنتی و نویسنده‌گان آنها صورت گرفته، اغلب به صورت کلی به موضوع پرداخته‌اند و کمتر به جزئیات توجه کرده‌اند و به مباحثی از قبیل نحوه بیان، زبان گفتار، چگونگی توصیف جزئیات و دیدگاه‌های متفاوت پدیدآورندگان آثار پرداخته نشده است. در این مقاله سعی شده است تا حد زیادی ضمن بیان دیدگاه نویسنده، به نحوه بیان و استفاده از ابزار زبان، میزان تسلط و بهره‌گیری از زبان عربی و نیز مهارت در پرداختن به جزئیات در توصیف، به‌ویژه توصیف جزئیات گل‌ها و گیاهان طبی و خاصیت درمانی هر جزء پرداخته شود و میزان آگاهی حکیم مومن در شناخت و مطالعه کتب طبی پیشینیان، شناخت طبیان گذشته، بیان اقوال و دیدگاه‌های مختلف طبیان، تشخیص اشتباهات آنان برای خوانندگان و محققان مشخص شد و در نهایت تصویری روشن از دیدگاه طبی صحیح که مبنی بر تجربه‌های عملی و غیر قابل انکار است در برابر چشم پژوهشگران مجسم شود.

#### مواد و روش‌ها

این مقاله بر پایه مطالعه موردي کتاب تحفه‌المؤمنین که حاصل ویرایش و تدوین کتاب مذکور به عنوان رساله کارشناسی ارشد اینجانب تحت عنوان: ویرایش و تدوین فرهنگ‌نامه طبی و دارویی و موارد انعکاس آن در ادبیات فارسی بر اساس تحفه حکیم مومن است، تهیه شده و با روش توصیفی و پژوهشی به بررسی ویژگی‌های ادبی و علمی کتاب مذکور پرداخته و امتیازها و ایرادهای آن را بررسی شده است.

این سرزمین زیادتر شد و جانشینان این مرد غالب توانستند علوم یونانی را در کشورهای مغلوب رواج دهند» (۳).

بعد از شکست ساسانیان طب اسلامی در مراکزی مثل بغداد و جندی‌شاپور رواج پیدا کرد، به‌طوری که درخشنان‌ترین دوره‌های طب اسلامی که بر طب اروپا هم تأثیر گذاشت در قرن‌های سوم تا ششم هجری شکل گرفت و ایرانی‌ها توانستند توسط پنج تن از ستارگان درخشنان طب خود به نام‌های طبری، رازی، اهوازی، بوعلی سینا و جرجانی خدمات زیادی به طب جهان عرضه کنند، به‌طوری که اروپایی‌ها تفکرات پزشکی دانشمندان ایرانی از جمله بوعلی سینا را مقدم بر تفکرات پزشکی یونان باستان داشته و از آن استقبال کردند. علم طب مانند علم نجوم از نخستین فنون و علومی است که در بین مسلمانان رواج یافت و آثار بنیادینی توسط پزشکان مسلمان همچون کتاب الحاوی از محمد بن زکریای رازی، القانون فی الطب از شیخ الرئیس ابوعلی سینا و آثار دیگر طبیان مشهور که مورد استفاده و استناد پزشکان بعدی بود بر جای مانده است (۴).

#### اوپا و پزشکی در عصر صفویه

هرچند که بعد از حمله مغول، فرهنگ و تمدن ایران تحت تأثیر قرار گرفت، اما طولانی بودن دوران صفویه تا حدودی به حفظ بقایای میراث علمی و فرهنگی ما کمک کرد و با وجود اینکه در این دوره پزشکانی مانند بوعلی سینا، رازی و اسماعیل جرجانی ظهور نکردند، اما با توجه به اعتراف سفرنامه‌نویسان و سیاحان اروپایی، صنعت داروسازی و خدمات درمانی در این عصر پیشرفت‌های زیادی داشته است.

در آثار طبی دوره صفویه به دلیل مهاجرت بسیاری از دانشمندان ایرانی به سرزمین‌های هندی، اقتباس فراوانی از منابع هندی شده است و به همین دلیل در اکثر آثار طبی این دوره ریشه هندی گیاهان دارویی آورده شده است. تشكیلات پزشکی نیز انسجام خاص داشته و پزشکان را اغلب با لقب حکیم و حکیم‌باشی خطاب می‌کردند.

حکیم‌باشی در امور مربوط به طب دولتی و توسعه طبیان کشور مسئولیت داشته و عطارباشی همکار و وردست اصلی او به شمار می‌آمد است (۵).

شاید این است که بیشتر نویسنده‌گان این دوره از مردم عادی و پیشه‌وران بودند و کار اصلی آنها نویسنده‌گی نبوده است. چنانکه حکیم مومن هم در واقع هنر اصلی او نویسنده‌گی نبوده، بلکه خواسته است که برای خوش خدمتی به شخص شاه سلیمان و کسب درآمد، ضمن عهده‌داری امر طبابت، حاصل تجربیات شخصی خود، پدر و جدش را به همراه گفته‌ها و نوشتۀ‌های دیگران به کار ببرد. بنابراین تمامی خصوصیات معمول در نثر دوره صفویه را در تحفه حکیم مومن و آثاری از این قبیل نمی‌بینیم. به خاطر اینکه متن اصلی کتاب به زبان علمی نوشته شده است، کمتر این ویژگی‌ها در آن دیده می‌شود و بیشتر در دیباچه کتاب به جهت خصوصیت زبان ادبی آن، ویژگی‌های بیشتری از نثر دوره صفویه دیده می‌شود.

از ویژگی‌های نثر کتاب به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: وجود سجع‌های متوالی در دیباچه؛ رسیده، دمیده، ذات، صفات، خروش، جوش

ترکیبات جدید فارسی و عربی در دیباچه؛ خادم مخدایم، لباس پوشان عوارض، عدیم الخاصیه، بی‌نصیبان ذاتی عرصه امکان، مجھول الماهیه، ضيق النفس

لغات عربی در متن: نبات به جای گیاه، منبت به جای محل روئیدن، اثیان

استفاده از عبارات عربی: لازال موئیداً با التاییدات السبحانیه و موبدًا بابدیه الجلال الربانیه (۸)

مدح و القاب‌پردازی در دیباچه: آنچنان که در مدح شاه سلیمان، او را خلاصه ذریه پیغمبر، ناصر چاکران ائمه اثنی عشر، ناشر مذهب حق، شاهنشه پادشاهان، خاقان بن خاقان بن خاقان سلطان خواقین جهان و سکندر حشمت نامیده است. به دستور: به معنی طبق دستورات، همچنین و مثل و مانند، آورده است، مثلاً:

راجع به نسخین می‌نویسد:

و روغن او که به دستور روغن نرگس گیرند، مسخن و به اعتدال، مقوی دماغ و بالخاصیه رافع ذات الجنب بلغمی و سوداوی است (۸).

و در مقدمه آمده است:

ویژگی‌های کتاب تحفه حکیم مومن

در دوره صفویه مانند ادوار گذشته، به‌ویژه دوره گورکانیان هند، فرهنگ‌نویسی رایج بوده است و تحفه حکیم مومن نیز تقریباً به شیوه فرهنگ‌نویسی بنا شده است. این قبیل فرهنگ‌ها، عیب و نقص‌هایی دارند، از جمله اینکه تنظیم الفبایی درست و مناسبی ندارد و گاهی لغات را غلط نوشته‌اند، تحفه حکیم مومن نیز دارای تنظیم الفبایی درست و مناسبی نیست. زبان یک نوشتۀ می‌تواند علمی یا ادبی باشد. چون کتاب مذکور به زبان علمی نوشته شده است، خوشبختانه گرفتار انحطاط و انحرافاتی که در نثر ادبی دوره صفویه بوده است نشده، اما آنچا که در دیباچه کتاب می‌خواهد آن را به نام شاه سلیمان صفوی تقدیم کند، به شیوه زبان ادبی معمول آن دوره گرفتار تعارفات و تملق‌ها و القاب‌پردازی شده و زبان را به مدح و تملق آلوده است. این کتاب متأثر از رسم الخط عربی دوره صفویه بوده و حتی در مدخل‌های آن حروف (گ، چ، پ، ژ) که جزو حروف اصلی فارسی و وجه تمایز با عربی هستند فراموش شده است. برای شناخت نثر کتاب باید ابتدا نثر آن دوره را بررسی کرد.

به نوشتۀ مرحوم بهار در کتاب سبک‌شناسی:

«نثر دوره صفویه خصوصاً نثر ادبی آن اینگونه نیست که هم از نظر صورت و هم از نظر معنا متناسب و دارای فحامت و جزالت باشد و چون زبان فارسی به صورت رسمی تدریس نمی‌شد و غالباً عربی می‌خواندند، لذا علوم ادبی در سطح پایین قرار داشت» (۷).

ویژگی‌های نثر و رسم الخط کتاب تحفه‌المؤمنین رسم الخط دوره صفوی همان رسم الخط دوره سابق، یعنی تیموری بوده که به قرار زیر است:

حرف (پ) به صورت (ب)، (ج) به صورت (ج)، (د) به صورت (د، ذ) و (ژ) به صورت (ز) به کار رفته است (۷). از ویژگی‌های نثر آن دوره که در کتاب سبک‌شناسی نوشتۀ شده، کثرت مترادفات، ضعف تألف و سستی الفاظ، آوردن سجع‌های متوالی، استفاده از لغات و ترکیبات و عبارات عربی و چاپلوسی و القاب‌پردازی بوده است.

یکی از دلایل بی‌ارزش بودن نثر و فقدان ویژگی‌های ممتاز زبانی در نثر این دوره و از جمله در کتاب تحفه حکیم مومن

زرع: به معنی ذرع و برای محاسبه طول و ارتفاع آمده و همه جا با حرف (ز) نوشته شده است، مثال:

حرمل ← بفارسی اسپند نامند، نبات او بقدر ذرعی می‌شود  
(۸)

قدر: به معنی مقدار، مثال:

سدر ← و قدر شربتش تا هفت درهم است (۸)  
دیدگاه طبی حکیم مومن

حکیم مومن پس از مطالعه و بررسی دقیق کتاب‌های طب قدیم از جمله: سریانی، عربی، هندی، یونانی، ایرانی و غیر آن و نیز تشخیص درست و نادرست آنان، به علاوه تجربیات خود و پدرانش این کتاب را نوشته است و چنان که خود می‌گوید دلیل تألیف آن، وجود اشتباهات در کتاب‌های طبی، به‌ویژه اختیارات بدیعی نوشته علی ابن حسین انصاری بوده است.

از نکات قابل توجه آن است که در بیشتر موارد، قول مؤلف اختیارات بدیعی را به چالش کشیده است، مثلاً راجع به مدخل (هوفاریقون) می‌نویسد:

مؤلف اختیارات بدیعی گوید: «تخم هوفاریقون شبیه سماق است» و این مخالف قول جمهور حداق است (۸).

و یا در مدخل (بادرنجبویه) می‌نویسد: مؤلف اختیارات بدیعی گفته که او بالنگوست و غلط است چه تخم بادرنجبویه باریک‌تر از تخم ریحان و اغبر است (۸).

با تأثیف کتاب تحفه، گویا کتاب اختیارات بدیعی از رسیمت افتاده و کتاب تحفه حکیم مومن جای آن را گرفته است. در این کتاب نام اشخاص و کتب فراوانی به چشم می‌خورد که تعداد اشخاص به بیش از ۶۰ و تعداد کتب به بیش از ۵۰ مورد می‌رسد.

حکیم مؤمن، خود در کوه و بیابان به دنبال جمع‌آوری گل‌ها و گیاهان دارویی بوده است، چنان که خود می‌گوید در فیروزکوه فلاں گل یا گیاه را مشاهده کرده‌ام و این امر نشان می‌دهد که حکیم مومن شخصاً گل‌ها و گیاهان دارویی را می‌شناخته است و از این نظر تجارب ارزشمندی به‌دست آورده است که یافته‌های او را قابل اعتماد و اطمینان ساخته است.

و به‌دستور، هر چه ابن تلمیذ مؤلف معنی ایجاد کرده‌اند بیان آن را لازم دانسته (۸)

آوردن ضمیر او به جای غیر انسان، مثال:

خُطاً ← به فارسی پرستوک و کباب او مفتح سدد، اکتحال محَرِّق او مقوی باصره (۸)

زیتون ← رسیده او گرم به اعتدال و با قبض و نارس او سرد و بغايت خشك (۸)

قریب: به معنی به قدر و شبیه آمده است، مثال:

دلدل ← حیوانی است قریب به سگ (۸)

درَاج ← مرغی است قریب به جنه کبک و خوش منظر (۸)

حشرات را به اسم حیوان معرفی کرده است، مثال: هدبه ← در اصفهان خرخدا و پرپا نامند و آن حیوان بقدر باقلی خاکستری رنگ (۸)

عبارت فعلی (به هم می‌رسد) به معنی به وجود می‌آید، مثال:

حَبَّرُ الْحَيَّ ← می‌گویند: سنگی است ملوّن و از معدن زیرجد به هم می‌رسد (۸)

چه: به جای زیرا و برای تعلیل، مثال:

بادرنجبویه ← مؤلف اختیارات بدیعی گفته که او بالنگوست و غلط است، چه بادرنجبویه باریک‌تر از تخم ریحان و اغبر است (۸)

جهت: به جای برای و به منظور، مثال:

حمام ← ضمادش جهت سوختگی آتش نافع (۸)

چون: به جای اگر شرطی، مثال:

خشو ← چون بر بالای طعام مسموم گذارند عرق کند (۹)  
سگ دیوانه: به معنی سگ هار، مثال:

نعم ← و با نمک جهت گزیدن سگ دیوانه (۸)  
متکون می‌شود: به معنی شکل می‌گیرد و به وجود می‌آید، مثال:

حجر البقر ← سنگی است که در زهره و شیردان گاو متکون می‌شود (۸)

گرده: به جای کلیه، مثال: لوبيا ← دانه بعضی سفید و از بعضی سرخ و از باقلی کوچک‌تر و شبیه گرده طیور (۸)

**یافته‌ها:**

بغدادی) و جامع ابن بیطار استناد کرده است. مؤلف در دیباچه کتاب نوشته است که فهرست اسامی کتاب‌هایی را که مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جهت اختصار دیباچه، درخارج کتاب مرقوم است، اما درخارج کتاب مرقوم نشده است.

فصل‌ها و بخش‌های مختلف کتاب

فصل‌ها و بخش‌های مختلف را با اصطلاحاتی موسوم به تشخیصات و دستورات به کار برده است که به قرار زیر است:  
تشخیصات اول (در این بخش میزان و درجات استفاده از ادویه‌جات را توضیح داده است)

تشخیصات ثانی (در این بخش صفات و ویژگی‌های ادویه مفرده را ذکر کرده است)

تشخیصات ثالث (در این بخش که مهم‌ترین قسمت کتاب است اسامی ادویه را که شامل انواع گل‌ها و گیاهان دارویی، سنگ‌ها و احجار کریمه، حیوانات و پرندگان است، به ترتیب الفبا اما ناظم آورده و خواص درمانی و دارویی هریک از اجزای آنها را به تفصیل بیان کرده است)

تشخیصات رابع (در این بخش طرق مداوای سموم را ذکر کرده است)

تشخیصات خامس (به اوزان صغار و کبار پرداخته است)

دستورات اول (در اینجا به اعمال مرتبط با ادویه مفرده و برخی موارد مرتبط پرداخته است)

دستورات ثانی (در این قسمت ادویه مركب را ذکر کرده است)

در مبحث اوزان، آنها را به اوزان صغار و کبار تقسیم کرده است. این اوزان در کتب معتبر طب و فقه و لغت دارای ارزش و اعتبار بوده‌اند. بعضی از آنها در علم طب، برای سنجش مقدار شربت‌ها و داروها به کار رفته است، مثل: استار و مثقال طبی.

برخی دیگر، در فقه و شرع کاربرد داشته‌اند، مثل: مثقال شرعی و درهم شرعی.

بعضی دیگر مربوط به اوزان اجناس بوده است، مثل: من، صاع، سیر و قفیز.

در مبحث مداوای سموم، آنها را به دو بخش سموم مشروبه و ملدوغه، تقسیم کرده و راجع به هر کدام مطالب

یافته‌ها نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه تحفه حکیم مونم از نظر ویژگی‌های زبانی و نثر ادبی حائز اهمیت نیست، اما خود حکیم مونم به دلیل مطالعه آثار طبی قدیم و آگاهی عمیق از دیدگاه طبیبان معروف گذشته و معاصر خود، طبیی حاذق بوده است، چرا که بر پایه تجارت موفق و مؤثر خود، پدر و جدش که به صورت همزمان به کار طبابت و داروسازی مشغول بوده‌اند، توانسته است دیدگاه طبیبان گذشته را به چالش کشیده و مورد اقبال عموم قرار گیرد. بسیاری از نویسنده‌گان کتب طبی گذشته تنها نظرات دیگران را جمع‌آوری کرده و در طبابت به کار برده‌اند، اما در زمینه داروسازی و ساخت ادویه مفرده و به‌ویژه ادویه مركب توفيقی حاصل نکرده‌اند، اما حکیم مونم علاوه بر کار طبابت در کار داروسازی، به خصوص ادویه مركب نیز بسیار حاذق و توانا بوده است، به نحوی که قبل از کتاب تحفه حکیم مونم، به ادویه مركبه چندان توجه نشده بود و باید گفت یکی از امتیازات این کتاب، پرداختن به ادویه مركب است. بنا به گفته محمود نجم‌آبادی «تحفه حکیم مونم قریب سه قرن کتاب مطالعه‌ای پزشکان پیشین بوده و هم‌اکنون نیز طرفدارانی دارد که از آن استفاده می‌کنند، این کتاب در طی قرون متتمدی در ایران توانسته در برابر قانون این سینا و شرح اسباب نفیسی و قرابادین کبیر (مجمع الجوامع عقیلی خراسانی) پیوسته در دست طالبان و عاشقان علم طب قرار گیرد و نفوذ و سلطه خود را طی قریب سه قرن داشته باشد و تا سی سال قبل کتاب درسی دوران بوده و اطبایی که طب را به سبک قدیم می‌آموخته‌اند آن را در دست داشتند».

پزشکان مورد استناد حکیم مونم از میان پزشکانی که سخن آنها بیشتر مورد استناد حکیم

مونم بوده است، به این افراد می‌توان اشاره کرد: امین‌الدوله، محمد بن احمد، بغدادی، ابن تلمیذ، رازی، انطاکی، حنین بن اسحق، شیخ‌الرئیس ابو علی سینا، ابن ماسویه و مهریارس.

كتب طبی مورد استناد حکیم مونم از میان کتب طبی، بیشتر به اختیارات بدیعی، تذکره (اولوالالباب، جامع انطاکی)، کامل الصناعه، مالایسع (جامع

مزایای کتاب از مزایای کتاب تحفه حکیم مومن به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

پرداختن به جزئیات در توصیف یک گیاه، مثل رنگ، بو، طعم، اندازه، ارتفاع، برگ، گل، ساق، بینخ و محل رویش آن مثال: «بادرنجبویه ← برگش لطیف و طولانی و اطراف برگش مثل اره و ساقش پرشعبه و شیشه ریحان و گلش بنفسن مایل به سرخی، تخمش شبیه تخم کتان» (۹)

ذکر خواص هر یک از اجزای گیاه به صورت جداگانه «مثال: نارنج ← بوئیدن شکوفه‌اش مقوی دماغ و محل رکام، عرقش جهت ضعف دماغ و تفریح و تقویت باه و استتها، ترشی او مسهل صفرا و رافع خمار، در برگ و پوست او تفریح عظیم است» (۹)

بیان طبیعت آن از نظر گرمی و خشکی و سردی و تری «مثال: لبلاب ← نزد جالینوس در دویم سرد و خشک و نزد ابوحیان بن ماسویه گرم است» (۸)

تعیین قدر شربت «مثال: نارجیل ← قدر شربت از جرم او تا سه مثقال و از آب او سه و قیه است» (۸)

ذکر مصلح و بدл «مثال: نیلوفر ← مضر مثانه و مصلح نبات و مضر باه و یعنی اگر استعمال آن ضرری داشته باشد، داروی اصلاح‌کننده ضرر را بیان می‌کند و چنانچه خود گیاه یا ماده دارویی در دسترس نباشد، مثل پرشکان کنونی، بدل، یعنی داروی مشابه آن را تجویز می‌کند.

«مثال: نیلوفر ← مضر مثانه و مصلح نبات و مضر باه و مصلح او لبوبات و بدلش بنفسه و خطمی» (۹)

اصل کلمه را که از چه زبان و لغتی است ذکر می‌کند مثلاً می‌نویسد که لغت نبطی یا یونانی یا تکانی و دیلمی یا ترکی، فارسی، هندی، سریانی، عربی و ... است.

«مثال: دبیدار ← به لغت نبطی گیاهی است که از هند خیزد» (۸)

پرداختن به پزشکی انسانی و حیوانی به این صورت که در مبحث دستورات دوم به معالجات چهارپایان و پرندگان نیز پرداخته است.

مفیدی را نوشته است. از سموم مشروبه که از طریق خوردن و نوشیدن وارد بدن می‌شود به مراره النمر، یعنی زهره پلنگ و از سموم ملدوغه که از راه نیش زدن حیوانات و حشرات وارد بدن می‌شود به سموم مار، عقرب، رتیل، سگ هار و ... می‌توان اشاره کرد.

در بخش دستورات اول، اعمال متعلق به ادویه مفرد، شامل اتخاذ ادویه و اصلاح آنها و نیز اصول صناعت غریبیه، شامل (کیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا، و لیمیا) آمده است.

در بخش دستورات دوم، ادویه مرکبه را آورده است و برای هر نوع ترکیب دارویی، موارد مشابهی به نقل از اشخاص و کتب مختلف طبی و نیز تجربیات خود و پدرانش ذکر کرده است. ضمن اینکه گاهی یک ترکیب دارویی شامل بیش از ۲۵ نوع ادویه مفرد بوده که طرز به عمل آوردن آنها را همراه با مقدار مشخص هر کدام و بر اساس اوزان معمول طبی نوشته است، مثلاً: مفرح یاقوتی شیخ ابوعلی سینا را مرکب از ادویه زیر دانسته است: مروارید، کهربا، بسد، ابریشم، سرطان نهری، نخله طلا، لسان الثور، یاقوت، تخم فرنجمشک، تخم بادروج و بادرنجبویه، بهمن سرخ و سفید، عود هندی، حجر ارمی، لاجورد مصطفکی، سلیخه، دارچینی، زعفران، هل، قاقله، افتیمون، اسطوخودوس، جدور و ...

آنچه آشکار است این است که بخشی از کتاب تحفه حکیم مومن به ادویه مرکبه اختصاص دارد و گویا قبل از او در آثار طبی گذشته چندان به آن پرداخته نشده است. بنابراین طریقه ساختن ادویه مرکبه را باید از امتیازات کتاب مذکور به شمار آورد.

ادویه مرکبه را در ۲۴ باب به قرار زیر آورده است: معاجین (تریاقات، ایارجات، مفرحات، جوارشات)، جبویات، اقراص، سفوفات، اشربه، مریبیات، لعوقات، مطبخات، سنونات، اکحال و شیافات، ادھان، مرهم‌ها، ضمادات و کمادات و نطولات و قطورات، سعوطات و نشوقات و عطوسات و شمومات و لخلخه‌ها، ادویه کلف و بهق و برص، مضيقات و مطبيات فرج، خواص غریبیه، رساین حکمای هند، معالجات چهارپایان، قلع آثار و رنگ‌ها و معالجات طیور.

طب و داروشناسی نیز تا حدودی مورد اقبال قرار گرفته است؛ چنانکه کتاب‌های زیادی در این زمینه تألیف شده است.

نکته در خور توجه آن است که بیشتر آثار طبی این دوره و از جمله کتاب تحفه حکیم مومن در واقع تألیف و جمع آوری کتب طبی و دارویی گذشته بوده است.

نکته دیگر اینکه قبل از کتاب تحفه حکیم مومن به ادویه مرکبه، چندان توجه نشده بود و باید گفت که یکی از امتیازات این کتاب، پرداختن به ادویه مرکبه است.

از دیگر امتیازات آن، موارد زیر در خور توجه است: پرداختن به جزئیات در توصیف ادویه مفرد، ذکر گفته‌ها و نوشته‌های مختلف و متضاد پزشکان گذشته، توجه به اوزان صغار و کبار که در علوم طبابت و فقه و لغت به کار می‌آمد، بهویژه برای تعیین دقیق داروها و توجه به پزشکی انسانی و حیوانی، ذکر مصلح و بدل، یعنی اگر استعمال آن ضرری داشته باشد، داروی اصلاح‌کننده ضرر را بیان می‌کند و چنانچه خود گیاه یا ماده دارویی در دسترس نباشد، مثل پزشکان کنونی، بدل آن، یعنی داروی مشابه را تجویز می‌کند.

از عیب‌های کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نداشتن نظم القایی مناسب، کتابت اشتباه بعضی از کلمه‌ها که یا از ناحیه کاتب و یا خود مؤلف بوده است، مثل: هدیه به جای هدب، سوسن به جای سوس، و نداشتن اعراب و آوانگاری.

در مجموع این کتاب، اطلاعات بسیار مفیدی راجع به دانسته‌ای دارویی که در اختیار خواننده می‌گذارد و از کتاب‌های بسیار با ارزش داروشناسی گیاهی به شمار می‌رود.

گاهی نظر یک طبیب گذشته را در مورد یک گیاه و خواص آن ذکر می‌کند و بر او ایراد می‌گیرد و نظر درست خود را می‌نویسد.

«مثال: جفت آفرید ← مؤلف تذکره گوید: اسم یونانی است و به معنی مزوج و به حسب ظاهر، فارسی بودن او اظهر است» (۸)

«هرطیمان ← رازی گوید: دفلی است و اظهر آن است که قسمی از حلزون باشد» (۸)

گاهی اقوال مختلف و متضاد را باهم جمع می‌کند.  
«مثال: خشو ← امین‌الدوله گوید: آن شاخ آهوى مشک‌داراست و گوید: جهت اسهال نیز نافع است. مؤلف تذکره گوید: در سراندیب یافت می‌شود و خوردن بیضه او جهت حکه و جرب و سده جگر نافع است و سنگدان او جهت بواسیر مفید است» (۸)

خودش می‌گوید: «مرغی است که به فارسی رخ نامند و چون بر بالای طعام مسموم گذارند عرق کند» (۸)

#### ابراهیمی کتاب

واژه‌های حزنیل و هدیه به دفعات در متن کتاب به کار رفته است، اما در بیشتر کتب طبی و فرهنگ‌های معتبر گذشته و معاصر به صورت حزنبل و هدبه نوشته شده است.

در فصل سیم (در تحويل اوزان بعضی به بعضی) اشتباهی رخ داده و آمده است: تحويل مثال به درهم به عدد درهم چون سه سبع افزوده شود مراد حاصل است و درست آن است که به جای کلمه دراهم، مثال آورده شود.

مؤلف در دیباچه کتاب نوشته است که فهرست اسامی کتاب‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جهت اختصار دیباچه، در خارج کتاب مرقوم است، اما در خارج کتاب مرقوم نشده است.

#### بحث و نتیجه‌گیری:

اگرچه عهد صفویه، دوران انحطاط دانش‌های عقلی در ایران و انتقال آن به کشورهای مجاور بوده است، و دانش‌های مذهبی بیشتر توسعه یافته‌اند، اما علوم تجربی و از جمله دانش

## References:

- ۱ . صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات ایران. ج.۴، انتشارات فردوس، تهران، ص: ۶۳، ۱۳۸۱ .
- ۲ . قهرمان، احمد: تاریخ شناخت گیاهان دارویی. کیهان فرهنگی: ۱۳۸۴، شماره ۲۲۵، صص: ۲۷-۲۳ .
- ۳ . نجم آبدادی، محمود: مراکز طبی و علمی در ایران قبل از بغداد. ماهنامه ارمغان: ۱۳۴۱، شماره ۷، ص: ۲۹۰-۲۸۹ .
- ۴ . عرب زاده، ابوالفضل: معرفی نسخه های دست نوشته طب گیاهی و سنتی. پیام بهارستان: ۱۳۸۸، ش ۲، صص: ۲۱۶-۲۰۳ .
- ۵ . دانشگاه کمبریج: تاریخ ایران دوره صفویان. ترجمه: آژند، یعقوب. انتشارات جامی، تهران، ص: ۳۰۸، ۱۳۸۰ .
- ۶ . شاردن، ژان: سیاحت نامه شاردن. ترجمه: عباسی، محمد. جلد ۷ و ۸. انتشارات امیرکبیر، تهران، ص: ۱۳۴۵، ۲۴ .
- ۷ . بهار، محمد تقی ملک الشعرا: سبک شناسی. ج. ۳، انتشارات امیر کبیر، تهران ، ص: ۲۸۷ ، ۱۳۷۱ .
- ۸ . محمد زمان حسینی، محمد بن میرزا؛ تحفه حکیم مومن، چاپ افست، کتابفروشی مصطفوی تهران، صص ۱-۲۶۳ . ۱۳۴۵ .
- ۹ . سلیمانی مقدم، داود(۱۳۸۵)؛ ویرایش و تدوین فرنگنامه طبی و دارویی بر اساس تحفه حکیم مومن، دکتر نصرالله امامی، اهواز، دانشگاه شهید چمران، (در حال انتشار). صص ۹۶-۵۵۸ .